

## مدیریت خطر مجرمان؛ مطالعه موردی بخش کلیات پیش نویس لایحه قانون مجازات اسلامی

محمد فرجیها، استادیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس

زهرا عابدی نژاد مهر آبادی، دانشجوکارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۸۷/۱۰/۲ تاریخ پذیرش: ۸۷/۱۲/۲۵

### چکیده

مدیریت خطر مجرمان از مفاهیم جدید حوزه عدالت کیفری است که از ابتدای دهه ۱۹۹۰ مطرح شده است. پس از زیر سؤال رفتن امکان دستیابی به اهداف اصلاحی و درمانی مجازات‌ها و ضرورت کنترل هزینه‌های نظام عدالت کیفری بسترهای ظهور رویکردهای مدیریت‌گرا در حوزه عدالت کیفری فراهم شد. در این رویکرد، جرم یک امر عادی و بهنجار در جامعه تلقی می‌شود و مجرمان با توجه به میزان خطر و احتمال تکرار جرم طبقه‌بندی و مدیریت می‌شوند. نظام کیفری تقنینی ایران به رغم نبود زیرساخت‌های لازم برای سنجش و مدیریت خطر مجرمان در قوانین و مقررات مختلف به‌طور غیر نظام‌مند به این رویکرد توجه داشته است. تقسیم‌بندی جرائم به سه دسته جنایت، جنحه و خلاف و تعیین پاسخ‌های کیفری مبتنی بر ناتوان‌سازی مجرم از تکرار جرم و نیز پیش‌بینی ساز و کارهای جدید مدیریت مجرمان کم‌خطرتر مانند جزای نقدی روزانه، انجام کارهای عام‌المنفعه و محرومیت موقت از برخی حقوق اجتماعی، تعویق کیفر، نظام نیمه آزادی، نظارت الکترونیکی در بخش کلیات پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی را می‌توان از جمله نمادهای این رویکرد تلقی کرد. این مقاله بر آن است تا ضمن ارائه توصیفی مختصر از رویکرد

مدیریت خطر، جلوه‌های عملی این رویکرد را در پیش نویس قانون مجازات اسلامی مورد نقد و بررسی قرار دهد.

نشانی: تهران، تقاطع بزرگراه‌های چمران و جلال آل احمد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق، تلفن ۰۹۱۳۱۵۷۴۱۶۱

آدرس پست الکترونیکی: [z\\_mehrabadi@yahoo.com](mailto:z_mehrabadi@yahoo.com)

### مقدمه

از دهه ۱۹۶۰ به این سو، با گسترش پژوهش‌های ارزیابی‌کننده در حوزه مداخله‌های عدالت کیفری و انتشار نتایج آن به تدریج امیدهایی که نسبت به اثربخشی برنامه‌های اصلاح و درمان مجرمان در زندان به وجود آمده بود، رو به زوال گذاشت. در رویکرد جدید شناسایی و مدیریت خطر مجرمان جایگزین اندیشه‌های اصلاح و درمان مجرمان شد. با ورود فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات به حوزه عدالت کیفری و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن در ارائه تصویر شفاف‌تر و دقیق‌تر از ویژگی‌های فردی، اجتماعی و قضایی متهمان، کنش‌گران نظام عدالت کیفری اشتیاق بیشتری به بهره‌گیری از آمار و اطلاعات در تعیین پاسخ‌های کیفری نشان دادند.

تأثیر این رویکرد بر شناسایی عوامل تأثیرگذار بر تکرار جرم و بهره‌گیری از ابزارهای ناتوان‌کننده مانند مجازات حبس نسبت به مجرمانی است که آزادی آنها امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد. توان‌گیری مستلزم پیش‌بینی رفتارهای مجرم در آینده است و نظام تعیین کیفر می‌تواند با در اختیار داشتن اطلاعات کمی و کیفی نسبت به مجرمان و درجه خطرناکی مجرم در مورد چگونگی مدیریت خطر مذکور تصمیم‌گیری کند (مهر، ۱۳۸۶).

اتخاذ تدابیر مدیریت خطر همواره با انتقادهایی نیز روبه‌رو بوده است. منتقدان بر این باورند که تمرکز رویکرد مدیریت خطر بر جرم‌های خیابانی و ویژگی‌های مرتکبان این جرم‌ها موجب شده است مجرمان فقیر و آسیب‌پذیر مانند بیکاران، ولگردان و معتادان در معرض پاسخ‌های کیفری شدیدتری نسبت به مجرمان یقه سفید قرار گیرند. این در حالی است که صدمه‌ها و آسیب‌های ناشی از جرم‌هایی مانند فساد اداری، رانت‌خواری، جرم‌های مالیاتی به مراتب

بیشتر از سرقت‌های جزئی و فحاشی و روسپی‌گری و... است.

نظام کیفری ایران نیز بدون تبعیت کامل از رویکرد سنجش و مدیریت خطر مجرمان، در تعیین ضمانت اجراهای کیفری تحت تأثیر این اندیشه قرار داشته است. قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) با تأکید بر اهداف فایده‌باورانه مجازات، در بسیاری از موارد با تشدید مجازات جرم‌های خشونت‌بار و تعیین حبس‌های بلندمدت برای مرتکبان این‌گونه جرائم در صدد مدیریت خطر مجرمان از رهگذر ناتوان‌سازی آنها برآمده است. ضابطه‌مند نبودن معیارهای تشخیص خطر ارتکاب جرم و به رسمیت نشناختن روش‌های نوین مدیریت خطر مجرمان از جمله چالش‌های اصلی است که قانون مجازات اسلامی با آن روبه‌رو است. هر چند، تهیه‌کنندگان پیش‌نویس لایحه جدید قانون مجازات اسلامی با انجام اصلاحاتی در صدد رفع برخی از خلأهای موجود برآمده‌اند.

نگاهی اجمالی به بخش کلیات پیش‌نویس جدید قانون مجازات اسلامی جلوه‌هایی از توجه تهیه‌کنندگان پیش‌نویس به رویکرد مدیریت خطر مجرمان را آشکار می‌سازد.

### ۱. مدیریت خطر از رهگذر سطح‌بندی مجازات‌ها

طبقه‌بندی مجازات‌ها به جنایت، جنحه و خلاف یکی از مهم‌ترین گروه‌بندی‌هایی است که در بیشتر نظام‌های کیفری به چشم می‌خورد. بر اساس این تقسیم‌بندی مرتکبان جرم‌های شدید (جنایت) مجازات‌های سنگین‌تری دریافت می‌کنند. ماده ۷ قانون مجازات عمومی (۱۳۵۲) با پذیرش این ضابطه در مقام سطح‌بندی و مرتبه‌بندی مجرمان از نظر شدت جرم ارتكابی و تعیین نوع پاسخ‌های کیفری برآمده بود. پس از انقلاب اسلامی با تصویب قانون مجازات اسلامی و طبقه‌بندی مجازات‌ها بر اساس معیارهای شرعی به حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، این تقسیم‌بندی از نظام کیفری ایران کنار گذاشته شد. حذف سطح‌بندی جرائم بر اساس شدت مجازات تنظیم پاسخ‌های کیفری و نیز مدیریت مجرمان خطرناک را با مشکلات بسیاری روبه‌رو ساخت. در پاره‌ای از موارد قانون‌گذار برای اعمال محدودیت‌های قانونی نسبت به برخی از گروه‌های مجرمان مجبور شد از واژه‌های جایگزین مانند محکومیت مؤثر

کیفری، جرم‌های حدی و مانند آن استفاده کند. به نظر می‌رسد تهیه‌کنندگان پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی با در نظر گرفتن ارزش کیفر شناختی این طبقه‌بندی و کاربرد آن در مدیریت خطر مجرمان گوناگون، در صدد احیاء آن برآمده‌اند.

بر اساس ماده ۱-۱۲۲ پیش‌نویس مذکور جرایم به سه دسته تقسیم می‌شود:  
الف- جنایت یا جرائم بزرگ: شامل جرایمی است که مجازات آنها سلب حیات قطع عضو، قصاص، حبس ابد، نفی بلد و حبس‌هایی که حداکثر مدت آنها بیش از پنج سال است، انفصال دائم از خدمات دولتی و مؤسسات عمومی و محرومیت دائم از حقوق اجتماعی و مصادره اموال است.

ب- جنحه یا جرائم متوسط: شامل جرایمی است که مجازات آنها دیه و ارش، شلاق اعم از حد و تعزیر، تبعید، حبس‌های با حداکثر پنج سال جزای نقدی بیش از ۳۰ میلیون ریال، انفصال موقت از خدمات دولتی و مؤسسات عمومی، محرومیت موقت از حقوق اجتماعی و مجازات‌های اجتماعی است.

ج- خلاف یا جرائم کوچک: شامل جرایمی است که مجازات مقرر شده آنها پس از تبدیل قانونی تا ۳۰ میلیون ریال جزای نقدی است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این ماده میزان و شدت پاسخ‌های کیفری مبنای سنجش میزان خطر مجرمان قرار گرفته است. از دیدگاه تهیه‌کنندگان پیش‌نویس مرتکبان جنایت بسیار خطرناک، مرتکبان جنحه مجرمانی کم‌خطرتر و خلاف‌کاران در واقع در زمره مجرمان غیر خطرناک قرار می‌گیرند. از این‌رو پیش‌نویس مذکور در مواد بعدی این نکته را مورد اشاره قرار داده است که در امور خلافی، مرتکب به تشخیص دادگاه ممکن است از حکم معافیت از مجازات برخوردار شود. (ماده ۱-۱۵۲)

به‌رغم تلاش‌های تهیه‌کنندگان پیش‌نویس برای سطح‌بندی مجازات‌ها و همزیستی میان مجازات‌های شرعی و عرفی به نظر می‌رسد برخی از مجازات‌های موجود در این طبقه‌بندی از نظر میزان شدت از همگونی و تناسب لازم برخوردار نباشد. صرف نظر از میزان تأثیرگذاری مجازات شلاق تعزیری بر کنترل مجرمان در بسیاری از موارد مجرمان بی‌بضاعت و فقیر

ممکن است مجازات شلاق که در زمره جرم‌های جنحه‌ای به‌شمار آمده است را بر جزای نقدی مذکور در جرم‌های خلافی ترجیح دهند.

علاوه بر این، در نظام‌های مبتنی بر الگوی مدیریت خطر مجرمان این طبقه‌بندی خود واجد آثار و پیامدهایی است. از جمله این موارد می‌توان به اعمال سیاست‌های سخت‌گیرانه نسبت به مرتکبان جرم‌های جنایی، تعیین محدودیت‌های قانونی برای تخفیف مجازات و نیز برخورداری از نهادهای حقوق کیفری مانند تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و... اشاره کرد. با این حال این طبقه‌بندی در اعمال سطوح مختلف مدیریت و کنترل خطر جرم مجرمان چندان مورد توجه تهیه کنندگان پیش‌نویس قرار نگرفته است. فقدان ضابطه‌مندی در سطح‌بندی مجازات‌ها در پیش‌نویس موجب شده است مقررات ویژه و جداگانه‌ای در مورد چگونگی بهره‌مندی هر یک از گروه‌های محکومان از آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، مرور زمان، اعاده حیثیت و... پیش‌بینی شود.

ایجاد الزام قانونی برای دادگاه در تبدیل مجازات حبس در جرم‌های غیر عمدی (تبصره ۱ ماده ۴-۱۵۱) در پیش‌نویس بیانگر رویکرد متفاوت تهیه‌کنندگان پیش‌نویس نسبت به کارکرد مجازات است. تجزیه و تحلیل و ارزیابی پیامدهای این گونه سیاست‌های حبس‌زدایی به‌ویژه در جرم‌های راهنمایی و رانندگی منجر به فوت و نقص عضو با توجه به آمار بالای این حوادث در کشور، سرنوشت این گونه الزام‌های قانونی را با ابهام روبه‌رو می‌سازد. بدیهی است میزان شدت تمامی جرم‌های غیر عمدی یکسان نیست و متفاوت بودن خطر احتمال وقوع جرم ایجاب می‌کند تا هر یک از گروه‌های مختلف مجرمان حسب مورد پاسخ‌های کیفری متناسبی دریافت کنند. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که بدانیم قوانین و مقررات کیفری حاکم بر جرم‌های راهنمایی و رانندگی متناسب با تحولات این گونه جرم‌ها در سال‌های اخیر در کشور تغییر نیافته‌اند. بسیاری از مصادیق رانندگی خطرناک و یا رانندگی همراه با بی احتیاطی به‌طور دقیق مورد شناسایی و جرم‌انگاری قرار نگرفته‌اند. از سوی دیگر مشاهده‌های عینی بیانگر آن است که تعیین جزای نقدی نسبت به رانندگان متخلف که شرایط اقتصادی مناسبی دارند و نیز از حمایت‌های مالی شرکت‌های بیمه برخوردارند، تأثیر

چندانی در کاهش خطر تصادف‌های جاده‌ای و کاهش میزان مرگ و میر ناشی از آن نداشته است. به نظر می‌رسد تدوین کنندگان پیش‌نویس به جای تأکید بر شناسایی و کنترل خطر وقوع جرم‌های رانندگی و دیگر جرم‌های غیر عمدی، بیشتر کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند.

از دیگر جلوه‌های رویکرد کنترل جمعیت کیفری در پیش‌نویس، می‌توان به ضرورت تبدیل مجازات حبس‌های کمتر از ۹۱ روز به مجازات غیر سالب آزادی اشاره کرد. هرچند محکومیت‌های کوتاه مدت به دلیل فراهم نبودن امکان اجرای برنامه‌های اصلاحی- تربیتی در طول چند دهه اخیر همواره با انتقادات شدیدی روبه‌رو بوده است؛ اما با زیر سؤال رفتن جنبه‌های اصلاحی و بازپروری زندان، حبس‌های کوتاه مدت عموماً در مورد مجرمانی که در گروه مجرمان با خطر متوسط طبقه‌بندی می‌شوند، استفاده می‌شود. تهیه کنندگان پیش‌نویس بدون در نظر داشتن این نکته و با توجه به جنبه‌های جرم‌زدایی زندان و نامتناسب بودن برخی از حبس‌های کوتاه مدت با رفتارهای مجرمانه در صدد رفع این نقیصه برآمده‌اند. با این حال رویکرد مدیریت خطر در مورد مجرمانی که از یک سو احتمال خطر تکرار جرم در آنان آنقدر زیاد نیست که توسط به حبس‌های بلند میان مدت و بلند مدت را ضروری سازد و از سوی دیگر استفاده از مجازات‌های اجتماع محور نیز با توجه به نوع جرم ارتكابی و سنجش میزان خطر آنان کافی به نظر نمی‌رسد، این نوع حبس‌ها را توصیه می‌کند. ضعف‌ها و نارسایی‌های مربوط به نامتناسب بودن برخی از حبس‌های پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی، مشکلات مربوط به عدم رعایت طبقه‌بندی زندانیان و نیز نبود شرایط انسانی در زندان‌ها را نمی‌توان با تصویب یک ماده کلی در مورد طیف وسیعی از جرائم و مجرمان با درجه خطر متفاوت برطرف کرد. یادآوری این نکته ضروری است که ساز و کارهای کنترل جمعیت کیفری در بیشتر نظام‌های توسعه یافته بیشتر بر کنترل و کاهش میانگین مدت حبس متمرکز است تا تعداد افراد محکوم به حبس. برای نمونه در محاسبه جمعیت کیفری بر اساس جمعیت ثابت زندانیان؛ محکومیت ۴۰ نفر از مجرمان به مجازات سه ماه حبس برابر با محکومیت یک مجرم به مجازات ده سال حبس است. در این شرایط پیش‌بینی ساز و کارهای قانونی قضایی

برای عدم صدور حکم محکومیت به حبس‌های طولانی در مورد مجرمان غیر خطرناک یا کم‌خطر به مراتب بیشتر از جلوگیری صدور احکام محکومیت به حبس‌های کوتاه مدت بر کنترل جمعیت کیفری تأثیر خواهد داشت. به همین دلیل به‌رغم فشارهای شدید دستگاه قضایی به کاهش جمعیت کیفری و توییح قضاتی که گرایش به استفاده از مجازات حبس دارند، جمعیت کیفری در طول چند سال اخیر کاهش چشمگیری نداشته است.

## ۲. تعیین محدوده تشدید مجازات در تعدد و تکرار جرم

پیشینه کیفری و تعدد جرم‌های ارتكابی از معیارهای قدیمی سنجش شدت جرم، میزان خطر مجرمان و تعیین مجازات به‌شمار می‌آید. از دیدگاه مجازات استحقاقی محکومیت پیشین مجرم هیچ ارتباطی با جرم جدید وی ندارد؛ زیرا هدف مجازات متناسب کردن پاسخ کیفری با میزان صدمه و آسیبی است که مجرم از رهگذر ارتكاب جرم به بزه‌دیده وارد کرده است. در مقابل، طرفداران اندیشه فایده‌باوری هدف از مجازات را جلوگیری از ارتكاب جرم، اصلاح و درمان مجرم، بازداشتن دیگر افراد اجتماع از ارتكاب جرم و حمایت از جامعه در برابر رفتارهای مجرمانه می‌دانند. از این دیدگاه پیشینه کیفری و تعداد جرم‌های ارتكابی معیار مهمی جهت شناسایی و تفکیک مجرمان خطرناک از مجرمان غیر خطرناک است.

تکرار جرم دلالت بر وضعیت مجرمی دارد که در گذشته به دلیل ارتكاب جرم محکومیت کیفری یافته و دوباره مرتکب جرم دیگری شده است. از دیدگاه مدیریت خطر، مجرمانی که با دریافت پاسخ کیفری متنه نشده و دوباره مرتکب جرم شده‌اند، باید با مجازات‌های شدیدتری روبه‌رو شوند. ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی به قاضی دادگاه این اختیار را داده است تا در مورد تکرار جرم در صورت لزوم مجازات‌های تعزیری یا بازدارنده را تشدید کند. ابهامی که در این ماده وجود دارد و موجب سردرگمی قضات و اختلاف رأی دادگاه‌ها شده است این است که محدوده و میزان تشدید مجازات تا کجاست. (اردبیلی، ۲۳۵: ۱۳۸۰) بدیهی است تشدید مستلزم فراتر رفتن از حداکثر مجازات قانونی تعیین شده است. با این حال در رویه قضایی، بیشتر قضات جانب احتیاط را نگه داشته و به ندرت مجرمان دارای پیشینه کیفری را

به مجازاتی بیشتر از حداکثر مجازات قانونی محکوم می‌کنند.

عدم پیش‌بینی ضوابط دقیق در مورد میزان تأثیرگذاری محکومیت پیشین مجرم در تعیین مجازات جرم جدید از یک سو و نبود زیرساخت‌های آماری و اطلاعات جنایی معتبر برای تشخیص پیشینه کیفری موجب شده است تا این معیار نقش چندانی در تعیین مجازات مجرم و تعیین نوع مدیریت خطر وی نداشته باشد. قضات دادسرا و دادگاه معمولاً برای جلوگیری از اطاله دادرسی به اظهارات متهم در مورد داشتن سابقه اکتفا می‌کنند و جز در پرونده‌های مهم از پیگیری وضعیت پیشینه کیفری متهمان صرف نظر می‌کنند. با این وضعیت نظام تعیین مجازات و تفکیک مجرمان خطرناک از غیر خطرناک در ایران فاقد یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی برای تعیین میزان خطر تکرار جرم از سوی مجرم است. تا پیش از اصلاح وضع موجود و اجرای دقیق و همه جانبه آئین‌نامه سجل قضایی به سختی بتوان میزان و نوع تکرار جرم را در متهمان پیش از صدور حکم محکومیت مشخص کرد.

مبحث چهارم بخش کلیات پیش‌نویس قانون مجازات اسلامی با عنوان «تعدد و تکرار جرم» در صدد تعیین معیارهایی برای تعیین نوع پیشینه کیفری و میزان تأثیرگذاری آن بر مجازات جرم جدید برآمده است. ماده ۵-۱۳۴ پیش‌نویس مذکور مقرر می‌دارد: هرکس در جرائم عمدی مستوجب مجازات تعزیری و بازدارنده به موجب حکم قطعی دادگاه به مجازات حبس بیش از دو سال محکوم شده باشد و از تاریخ شروع اجرای مجازات حبس، مرتکب جرم عمدی از همان نوع یا جرائم مشابه شود، به  $1/5$  برابر و حداکثر مجازات قانونی آن جرم محکوم می‌شود و چنانچه مرتکب جرم عمدی دیگری شود در صورتی که جرائم ارتكابی بیش از سه فقره باشد به  $1/5$  برابر و حداکثر مجازات قانونی جرم اخیر محکوم می‌شود.

از نگاه تدوین کنندگان پیش‌نویس میزان خطر مجرمانی که برای بار اول مرتکب جرم شده‌اند و کسانی که چندین فقره محکومیت به حبس‌های کمتر از دو سال دارند، یکسان است و فقط مجرمان دارای سابقه کیفری به محکومیت به حبس بیش از دو سال مشمول تشدید مجازات قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر پیش‌نویس جدید ابهام موجود در ماده ۴۸ قانون مجازات اسلامی کنونی را رفع کرده است اما با تعیین ضابطه محکومیت پیشین به



حبس دو سال در واقع شمار زیادی از مجرمان دارای پیشینه کیفری را از شمول رویکردهای مدیریت خطر مستثنی ساخته است. این در حالی است که درصد احکام کیفری سالب آزادی به حبس‌های کمتر از دو سال محدود می‌شود و قضات محاکم کیفری کمتر به صدور مجازات‌های بیش از دو سال می‌پردازند.

همچنین، مبنای مورد پذیرش تهیه‌کنندگان پیش‌نویس در مورد کم‌خطر تلقی کردن مجرمانی که مرتکب جرم‌های مختلف می‌شوند، مشخص نیست. برای نمونه بر اساس ماده ۵-۱۳۴ پیش‌نویس مجازات مجرمی که یک فقره سابقه سرقت منجر به محکومیت به حبس دو سال دارد و اکنون مرتکب ضرب و جرح شده است کمتر از مجرم مشابهی است که با داشتن پیشینه کیفری مشابه این بار مرتکب جرم سرقت شده است. به‌رغم اینکه تغییر مسیر فعالیت‌های مجرمانه از جرائم علیه اموال به جرائم علیه اشخاص بیانگر خطرناک‌تر بودن مجرم است. بر اساس این الگو، مجرم مذکور پاسخ کیفری ملایم‌تری را دریافت خواهد کرد. شاید اگر ارتکاب جرم متفاوت با جرم پیشین از جرائم علیه اشخاص به جرائم علیه اموال تغییر می‌یافت، مبنای عدم امکان اعمال مقررات تشدید مجازات نسبت به مرتکب تکرار جرم پذیرفتنی‌تر بود.

تعدد جرم نیز از دیگر معیارهای شناسایی میزان خطر مجرمان و تشدید پاسخ‌های کیفری نسبت به آنان است. تعدد جرم زمانی اتفاق می‌افتد که فردی مرتکب جرم‌های متعدد می‌شود بدون این که به دلیل ارتکاب جرم‌های پیشین محاکمه شده و حکم محکومیت قطعی کیفری در مورد وی صادر شده باشد. عدالت و انصاف ایجاب می‌کند مجازات فردی که یک بار مرتکب جرم شده، در مقایسه با فرد دیگری که چندین بار در فواصل زمانی مختلف اقدام به فعالیت‌های مجرمانه کرده است، یکسان نباشد. از دیدگاه مدیریت خطر، ارتکاب جرم‌های متعدد و تداوم رفتارهای مجرمانه خود از نشانه‌های ناسازگاری با اجتماع و حالت خطرناک بزهکار است (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۲۲۰).

ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی در بیان چگونگی تعیین مجازات تعدد جرم بیان می‌دارد: «در مورد تعدد جرم هرگاه جرائم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرائم مجازات

جداگانه تعیین شود و در این قسمت تعدد جرم می‌تواند از علل مشدده کیفر باشد...» همان‌طور که ملاحظه می‌شود، قانون مجازات اسلامی میان مصادیق تعدد جرم از یک نوع (چندین فقره سرقت) و جرم‌های مختلف (سرقت، کلاهبرداری، ضرب و جرح) قائل به تفکیک شده است. در حالت اول (جرم‌های مشابه) مرتکب فقط به یک مجازات محکوم می‌شود و تعدد جرم ممکن است منجر به تشدید مجازات شود. اما در حالت دوم برای هر یک از جرم‌ها مجازات جداگانه‌ای تعیین می‌شود. پرسشی که در این موارد مطرح می‌شود این است که مبنای نظری قانون‌گذار برای تفکیک چیست؟ میان ارتکاب جرم‌های متفاوت با جرم‌های مشابه چه تفاوت اساسی وجود دارد که قانون‌گذار را به اتخاذ این سیاست دوگانه در این زمینه واداشته است؟ آیا می‌توان گفت مجرمانی که مرتکب جرم‌های مختلف می‌شوند خطرناک‌تر از مجرمانی هستند که مرتکب نوع خاصی از جرائم می‌شوند؟

از دیدگاه حقوق کیفری کلاسیک کسی که مرتکب جرم‌های متعدد شده است باید در برابر هر یک از جرم‌های ارتكابی مسئول شناخته شود. عدالت اقتضاء می‌کند که هر کس بر اساس جرم‌های ارتكابی مشمول مجازات شود. اما از دیدگاه فایده‌باوری جمع مجازات‌ها با یکدیگر در بسیاری از موارد متضمن هیچ فایده عملی نیست و ممکن است منجر به صدور احکام کیفری نامتناسب شود.

برای نمونه، تجمیع مجازات‌های سالب آزادی در مورد ارتکاب چندین فقره سرقت ممکن است از میانگین طول عمر یک سارق تجاوز کند. از این رو بسیاری از نظام‌های کیفری از روش‌های مختلف مانند اجرای مجازات اشد و یا مجازاتی شدیدتر از مجازات اشد پیروی می‌کنند. با این حال، همانند آنچه در تکرار جرم گفته شد، شیوه و چگونگی تشدید مجازات در تعدد جرم (ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی) معین نشده است. بدیهی است تشدید مجازات به این معنی است که دادگاه می‌تواند مجازاتی بیشتر از حداکثر مجازات قانونی تعیین کند، زیرا تعیین مجازات به میزان حداکثر مجازات قانونی نیازی به مجوز ندارد و در اختیار دادگاه است. هر چند هیئت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۶۰۸-۶/۲۷/۷۵ خود این تفسیر را نپذیرفت. در این رأی آمده است «... تعیین مجازات برای متهم بیش از حداکثر مجازات مقرر

در قانون بدون این که نص صریحی در این خصوص وجود داشته باشد، فاقد و جاهت قانونی است. «هیئت عمومی دیوان عالی کشور عبارت «... تعدد جرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد...» را نص صریح قانونی ندانسته است و به جای کشف مقصود قانون‌گذار از حدود و میزان تشدید مجازات با صدور این رأی اختیار تشدید مجازات را برخلاف نظر قانون‌گذار از قاضی سلب کرده است. (اردبیلی، ۱۳۸۰: ۲۲۸) بدین ترتیب، از دیدگاه هیئت عمومی دیوان عالی کشور مدیریت خطر مجرمان در تعدد جرم تنها در محدوده حداکثر مجازات قانونی امکان‌پذیر است و به‌رغم تفاوت‌های اساسی میان ارتکاب یک فقره سرقت با شرایط مشدد و ارتکاب ده‌ها فقره سرقت در طول یک دوره زمانی مشخص، مدیریت و کنترل خطر مجرمان از اختیارات قانونی محدودی در این زمینه برخوردار است.

پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی در صدد رفع این ابهام و تعیین محدوده تشدید مجازات در تعدد جرم برآمده است. ماده ۳-۱۳۴ پیش‌نویس مذکور در این زمینه بیان می‌دارد:

در جرائم عمدی مستوجب مجازات تعزیری و بازدارنده هرگاه عمل مجرمانه متعدد باشد اعم از آن که در زمان واحد یا زمان‌های متعدد واقع شده یا دارای یک عنوان یا عناوین متعدد مجرمانه باشد، تعدد مادی است و چنانچه جرائم ارتكابی از سه جرم بیشتر نباشد دادگاه مکلف است برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را مورد حکم قرار دهد و هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد دادگاه، مجازات هریک از جرائم را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی معین می‌کند بدون این که از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز کند...

همان‌طور که ملاحظه می‌شود پیش‌نویس در مقایسه با قانون مجازات اسلامی از الگوی متفاوتی را برای شناسایی مجرمان خطرناک و تشدید مجازات آنها استفاده کرده است. پیش‌نویس تفاوتی میان جرم‌های ارتكابی مشابه و مختلف قائل نشده است و با نادیده انگاشتن نوع جرم، تعداد جرم‌های ارتكابی را مبنای تشدید مجازات تلقی کرده است. براین اساس چنانچه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد دادگاه مجازات هر یک از جرم‌های ارتكابی را بیش از حداکثر مجازات قانونی و تا یک و نیم برابر آن تعیین می‌کند و چنانچه

جرم‌های ارتكابی تا سه مورد باشد، در این صورت دادگاه مکلف است حداکثر مجازات تعیین شده را برای هر یک از جرم‌ها را نسبت به مرتکب اعمال کند. از این رو با تصویب لایحه ابهام و خلأ موجود در ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی تا حدودی رفع خواهد شد. هر چند از دیدگاه مدیریت خطر میزان خطر تکرار جرم در مورد مجرمی که در طول فواصل زمانی مختلف مرتکب جرم شده است نسبت به مجرمی که در یک زمان مشخص مرتکب جرمی شده است که دارای عناوین متعدد است باید قائل به تفکیک شد. صرف نظر از نوع و شدت جرم ارتكابی، طول مدت جرم‌های ارتكابی، فاصله زمانی هر یک از جرائم، سیر رفتارهای مجرمانه می‌تواند بیانگر میزان خطرناکی مجرم و ضرورت اتخاذ سیاست‌های کیفری متفاوت نسبت به طبقات مختلف مجرمان باشد.

### ۳. مدیریت خطر بر مبنای شرایط اخلاقی، خانوادگی و اجتماعی مجرم

از شاخص‌های مهم شناسایی خطر وضعیت جسمی و روانی و شخصیت اجتماعی مجرم و پیش‌بینی امکان ارتكاب جرم از سوی او در آینده است. داشتن روابط و پیوندهای قوی و ثابت با اعضای خانواده و جامعه، برخورداری از سلامت جسمانی و روانی و... از جمله ساز و کارهای مؤثر کنترل اجتماعی و کاهش خطر ارتكاب جرم به‌شمار می‌آیند. از این رو شاخص‌های تعیین خطر مجرمان و مدیریت آنان صرفاً با هدف شناسایی و مدیریت مجرمان خطرناک نیست بلکه از این‌الگو برای تشخیص و تفکیک مجرمان کم‌خطر و چگونگی مدیریت آنان نیز استفاده می‌شود. قانون‌گذار از عبارت‌هایی مانند «وضع خاص متهم» (بند ۵ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی)، «وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه» (بند ۵ ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی)، «خصوصیات مجرم» (ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی) و... در صدد شناسایی مجرمان کم‌خطر و پیش‌بینی ساز و کارهای نظارتی و کنترل به جای تأکید بر جنبه‌های ناتوان‌سازی برآمده است. اما مروری بر تفاسیر قضات از این عبارت‌ها بیانگر آن است که بدون تعیین ضوابط و شاخص‌های عینی، استفاده از این معیارها برای مدیریت خطر مجرمان امکان‌ناپذیر است. هر چند مدیریت خطر ارتكاب جرم و پیش‌بینی رفتارهای مجرم در

آینده به اندازه محاسبه‌هایی که در حوزه سیاست‌گذاری مانند صنعت و اقتصاد انجام می‌شود، دقیق و سنجش‌پذیر نیست. با این حال، توسعه ابزارهای سنجش خطر و انجام پژوهش‌های تجربی پیرامون هر یک از شاخص‌های اشتغال، تأهل، سلامت جسمانی، وضعیت اجتماعی و... موجب شد این شاخص‌ها به تدریج از حالت شخصی و سلیقه‌ای مبتنی بر تجربه‌های فردی قاضی خارج شده و بر معیارها و شاخص‌های عینی‌تر و شفاف‌تری استوار شود. ابزارهای جدید سنجش و مدیریت این امکان را برای کارکنان نهادهای عدالت کیفری فراهم کرده است تا با در نظر گرفتن میزان خطر ارتکاب جرم به تناسب از الگوهای ناتوان‌سازی و یا روش‌های اصلاح و درمان را استفاده کنند.

تدوین‌کنندگان پیش‌نویس با استفاده از عبارتی مانند «توجه قاضی به اوضاع و احوال شخصی مرتکب» و یا «در نظر گرفتن آثار مجازات بر زندگی آینده بزهکار و خانواده او» درصدد سهمیم کردن معیارهای فردی و اجتماعی در تعیین مجازات برآمده‌اند. با این حال فقدان ضوابط مشخص جهت پیش‌بینی میزان تأثیرگذاری نوع و میزان مجازات بر مجرم و خانواده او و نیز عدم آموزش قضات در چگونگی استفاده از این ضوابط، مدیریت و کنترل مجرم‌ان در نظام کیفری ایران را با چالش‌های جدی روبه‌رو ساخته است. مضاف بر این، اطلاعات ارائه شده از سوی متهمان و محکومان در مورد شرایط اجتماعی و خانوادگی خود معمولاً دقیق و معتبر نیست. بیشتر مجرم‌ان خود را افرادی بیکار، بی‌خانمان، مبتلا به امراض جسمی و روانی و فاقد حمایت‌های خانوادگی معرفی می‌کنند تا از رهگذر بر انگیختن حس ترحم قاضی مجازات‌های ملایم‌تری را دریافت کنند. از این‌رو مدیریت خطر مجرم‌ان بر اساس شرایط اجتماعی و خانوادگی آنان بیش از هر چیز مستلزم تشکیل بانک اطلاعاتی و دسترسی به آمار و اطلاعات معتبر درباره متهمان و مجرم‌ان است.

#### ۴. نتیجه

با ظهور کیفرشناسی جدید و توسعه ابزارهای سنجش و مدیریت خطر، الگوهای کنترل جرم از شناسایی درجه تقصیر و میزان مسئولیت اخلاقی مجرم و روش‌های اصلاح و درمان وی به

سوی طبقه‌بندی و مدیریت خطر مجرمان تغییر مسیر داد. در این رویکرد خطر بیشتر یک امر مدیریتی است تا موضوع مربوط به حوزه اصلاح و درمان. مدیریت خطر در صدد از بین بردن جرم یا انحراف نیست بلکه هدف آنان کاهش صدمه‌های ناشی از جرم و انحراف از رهگذر اتخاذ تدابیر نظارتی و کنترلی بر اساس پیش‌بینی احتمال وقوع جرم توسط مجرم است.

کارشناسان بر این باورند که با ورود عامل خطر در نظریه تعیین کیفر، عقلانیت و منطق حاکم بر حوزه‌های مجازات افزایش خواهد یافت. رویکرد مدیریت خطر قابلیت‌ها و ظرفیت‌های مناسبی را برای ایجاد انسجام در آراء قضایی و جلوگیری از صدور احکام کیفری نامتناسب و تبعیض‌آمیز فراهم می‌آورد. اطلاعات و دانش تولید شده در این رویکرد نهادهای عدالت کیفری را قادر می‌سازد تا ضمن مدیریت منابع و امکانات خود از این منابع به طور بهینه در راستای کنترل مجرمان پر خطر استفاده کنند.

با ابزارهای مدرن سنجش و مدیریت خطر امروز معیارهای دقیق‌تر و اطمینان‌پذیری را نسبت به روش‌های سنتی مبتنی بر درک و احساس شخصی قاضی در اختیار نظام عدالت کیفری قرار داده است.

تهیه کنندگان پیش‌نویس بخش «کلیات قانون مجازات اسلامی» با توجه ضمنی نسبت به دستاوردهای مدیریت خطر به دنبال رفع ابهام‌ها و خلأهای موجود در قانون مجازات اسلامی برآمده‌اند. ارائه سطح‌بندی و طبقه‌بندی جدید از جرائم بر حسب شدت مجازات‌ها، تعیین محدوده و قلمرو تشدید مجازات در تعدد و تکرار جرم و نیز، اختصاص سهم بیشتر به شرایط خانوادگی و اجتماعی مرتکب در تعیین مجازات‌ها را می‌توان از مهم‌ترین این جلوه‌ها تلقی کرد. با این حال، به نظر می‌رسد مشخص نبودن مبنای نظری مورد پذیرش در تدوین اصول کلی تعیین مجازات، این سیاست‌ها را دچار دوگانگی و تضاد ساخته است. تهیه کنندگان پیش‌نویس از یک سو با افزایش میزان حداکثر مجازات و رفع ابهام‌های قانونی مربوط به تشدید مجازات، زمینه‌های محکومیت مجرمان را به حبس‌های بلند مدت را فراهم آورده‌اند. از سوی دیگر با پیش‌بینی ساز و کارهای قانونی و قضایی حبس‌زدایی و در برخی موارد الزام قضات به استفاده از راهکارهای غیر سالب آزادی در صدد کنترل جمعیت کیفری برآمده‌اند.

## فهرست منابع:

۱. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۰) حقوق جزای عمومی (ج دوم)، انتشارات میزان.
۲. بابایی، محمد علی (۱۳۸۳) تحولات جرم شناسی - حقوقی مفهوم حالت خطرناک، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۳. برنابولک (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، علی حسین نجفی ابرند آبادی، انتشارات مجد، چاپ هفتم.
۴. رهامی، محسن (۱۳۸۳) عرفی شدن مجازات‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات سمت، چاپ اول.
۵. غلامی، حسین (۱۳۷۸) تکرار جرم در حقوق جزا و جرم شناسی، رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس.
۶. فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۷)، رویکرد عقلایی به مداخله‌های عدالت کیفری، فصلنامه کارآگاه، شماره ۴.
۷. فلیپ، ماری (۱۳۸۳) کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی «محاسبه‌گر» در اروپا، ترجمه کاشفی اسماعیل زاده، حسن، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹.
۸. فوکو، میشل (۱۳۸۵) مراقبت و تنبیه (ترجمه)، نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، نشر نی، چ ششم.
۹. گسن، ریموند (۱۳۷۴) جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی دکتر کی نیا، انتشارات مجد، چاپ اول.
۱۰. گودرزی بروجردی، محمد رضا (۱۳۸۴) کیفرشناسی نوین، چاپ اول، انتشارات مجد.
۱۱. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۷۷) بزهکاری، احساس ناامنی و کنترل، مجله حقوقی دادگستری، ش ۲۲.

12- Blomberg.T and Yeisley . M and Lucken .K (1998) **American penology: Words, deeds, and consequences**, Crime, law & Social change 28, P: 269-286

- 12- Feely M. and Simon. J (1992) **The new penology: notes the emerging strategy of corrections and its implications.** Criminology, 30(4), 457- 474
- 13- Maurutto. P and Hannah Moffat .K (2006) **Assembling risk and the restructuring of penal control,** Brit. J. Criminol, 46, 438 -454
- 14- Richards,L(2003),**MPS Domestic Violence Risk Assessment Model,** Metropolitan Police service, London
- 15- Pavarin .M (1994) **The new penology and politics in crisis the Italian case,** Brit.J. Criminol, Vol:34
- 16-Walker, N (1985) **Sentencing Theory Law and Practice,** London, Butterworths